نظر مکی بن ابیطالب بر تک قرائتی بودن مصحف عثمان و عدم موافقت اهل فن با آن

بحث در «المقام الرابع» بود. فرمودند عده‌ای گفته‌اند تواتر قرائات با اصحاب القرائات است؛ یعنی همین هفت نفر. عرض کردم اصلاً شواهد، مؤید این نیست. جلسه قبل گفتم یکی از مهمترین ادله‌ای که داریم مسأله رسم المصحف است. علم مهمی که وقتی انسان به‌دنبال آن می‌رود، می‌بیند برای خود یک فن عجیبی است؛ خیلی قوی و مفصل.

جلسه قبل از «الابانة» مکی بن ابیطالب مبنایی را عرض کردم. آن چه که می‌خواستم پی آن بروم، نشد. مکی بن ابیطالب در قرن پنجم وفات کرد؛ حدود ۴۳۷ وفات کرده، با دانی هفت-هشت سال فرق دارد؛ دانی هفت سال بعد وفات کرده؛ مکی که این حرف را زده، معاصر او که دانی است؛ ای در تخصص مساوی هستند ای اگر به تعبیری حاج آقا احتمال منحصر در اعلمیت باشد، برای دانی است، نه برای مکی بن ابیطالب. مکی هم بزرگ است؛ علماء بزرگ شیعه هم وقتی می‌خواستند سند قرائاتشان را ذکر کنند، یکی از آن‌ها غیر از کتاب‌های دانی، همین تبصره مکی بود. بزرگی مکی بن ابیطالب در این سلسله علوم قرآنی و قرائات قابل انکار نیست. معلوم است. ولی علی ای حال در این دو معاصر، یک نظری را مکی بن ابیطالب در الابانة ارائه کرده و یک نظر هم دانی دارد.

آقای غانم قدوری که در زمان ما کتاب رسم المصحف نوشته، ایشان دوباره کلام مکی بن ابیطالب را احیاء کرده است. تقریباً کلام دانی را رد کرده. سؤال من این است: آیا در طول تاریخ بعد از مکی، از متخصصین کسی هست که موافق حرف مکی شده باشد یا نه؟! یعنی بین تمام کسانی که اهل فضل و فن و قاری مهم و مقری بودند و کتاب نوشتند، کسی هست که موافق مکی باشد یا نه؟ معموالً کسی که مختصری در علوم قرآنی وارد باشد، اسم ابن جزری و اسم دانی را می‌شنود. چون این دو سرآمد متخصصین هستند. خُب ابن جزری به‌شدت از حرف دانی دفاع کرده است. ولی آقای غانم قدوری حرف مکی را ترجیح داده است. آیا غیر از غانم قدوری در طول تاریخ، از متخصصین کسی را داریم که قول مکی را ترجیح داده باشد یا نه؟

فعلاً حرف سر همین است که مختار مکی بن ابیطالب این است که می‌گوید وقتی عثمان می‌خواست بنویسد، قصدش این بود که قرآن و مصحف شریف را طبق حرف واحد و یک قرائت بنویسد. قبلش هم یک توضیح خیلی خوبی می‌دهد. جلسه قبل عرض کردم؛ می‌گوید بلدای بودند. عثمان برای توحید مصاحف و قرائت‌هایی که موجب اختلاف می‌شدند، مصحفی را نوشت که طبق یک قرائت باشد. بعد به همراه یک مقری، آن مصحف را به بلاد فرستاد. اسماء این مقری‌ها در کتاب «مقدمات فی علم القرائات» آمده است. سه نفر از اساتید دانشگاه ارذن این کتاب را

نوشته‌اند.

> **تعيين الخليفة عثمان بن عفان رضي اللّه عنهم مقرئا خاصا لكل مصر من الأمصار التي بعث إليها بمصحف، و توافق قراءته قراءة أهل المصر المرسل إليهم في الأكثر الأغلب...[1]**

«تعيين الخليفة عثمان بن عفان رضي اللّه عنهم ...»؛ سه نفر هستند که این کتاب را نوشته‌اند. معمولاً همه جمع‌آوری کرده‌اند. خودشان خیلی صاحب رای قوی نیستند. ولی خُب به‌عنوان اساتیدی که در این رشته کار کرده‌اند، این کتاب درسی را نوشته‌اند. بعد می‌گویند: **«و توافق قراءته قراءة أهل المصر المرسل إليهم في الأكثر الأغلب»؛** عثمان هر کسی را هر کجا نفرستاد.

بعد می‌گوید:

> **و قد أرسل عبد اللّه بن السائب المخزومي (ت في حدود 70 ه) إلى مكة، و أبو عبد الرحمن السلمي (ت 47 ه) إلى الكوفة، و كان قبله ابن مسعود حينما أرسله عمر ابن الخطاب رضي اللّه عنه، و عامر بن عبد قيس (حوالي 55 ه) إلى البصرة، و المغيرة ابن أبي شهاب المخزومي (ت نيف و سبعين ه) إلى الشام، و جعل زيد بن ثابت (ت 45 ه) مقرئا في المدينة، و كان هذا في حدود سنة ثلاثين من الهجرة[2]**

«و كان قبله ابن مسعود حينما أرسله عمر ابن الخطاب»؛ معروف است.

«و عامر بن عبد قيس (حوالي 55 ه) إلى البصرة، و المغيرة ابن أبي شهاب المخزومي (ت نيف و سبعين ه) إلى الشام، و جعل زيد بن ثابت (ت 45 ه) مقرئا في المدينة، و كان هذا في حدود سنة ثلاثين من الهجرة»؛ این پنج نفر مقری خاص برای مصاحف معین شد. یعنی اینطور نبود که همین مصحف باشد، با هر کدام از آن‌ها این اشخاص را فرستاد.

علی ای حال مکی بن ابی‌طالب این توضیح را داد که وقتی عثمان، پنج مصحف را به همراه پنج قاری به پنج شهر فرستاد، آن شهرها که ابتدا به ساکن با قرآن آشنا نشده بودند. حدود بیست و شش-بیست و هفت بود. یعنی سال‌های سال قرآن خوانده بودند، نماز خوانده بودند، قرآن ختم کرده بودند، حفاظ بودند. برای هم می‌خواندند. تشویقاتی که خود آن‌ها داشتند.

---

[1] مقدمات فی علم القرائة، ص ۵۶

[2] همان

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 12:05:05 توسط ... .

به روزرسانی شده 12 ژوئن 2024 12:26:42 توسط ... .